

دیوان اشعار

سید رضی الدین آرتیمانی

تصحیح و تعلیقات

سید وحید سمنانی



آرشیو ملی

سرشناسه	: رضی الدین آرتیمانی، قرن ۱۱ ق.
عنوان و نام پدیدآور	: دیوان رضی الدین آرتیمانی / تصحیح، تحقیق و تعلیقات وحید سمنانی.
مشخصات نشر	: تهران: سنایی، ۱۳۸۹.
مشخصات ظاهری	: ۲۸۰ صفحه: مصور (بخشی رنگی)
شابک	: 978 - 964 - 8746 - 46 - 4
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
موضوع	: شعر فارسی - قرن ۱۱ ق.
شناسه افزوده	: سمنانی، وحید. ۱۳۶۰ -؛ ویراستار
رده‌بندی کنگره	: ۱۳۸۹ د ۹ / ۶۴۶۶ PIR
رده بندی دیویی	: ۸۱۴ / ۴
شماره کتابشناسی ملی	: ۲۰۸۱۴۰۴



دیوان
سید رضی الدین آرتیمانی
با تصحیح و تحقیق
سید وحید سمنانی

چاپ اول، سال ۱۳۸۹، شمارگان ۱۱۰۰ نسخه، چاپخانه احمدی

حروفچینی همراه، لیتوگرافی سیدمیر، صحافی گلستان

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۸۷۴۶-۴۶-۴ ISBN: 978 - 964 - 8746 - 46 - 4

دفتر مرکزی: میدان انقلاب، خیابان اردیبهشت، نیش روانمهر، شماره ۱۵۲

تلفن: ۶۶۴۰۱۰۶۱ - ۶۶۴۱۰۷۱۹ - فاکس: ۶۶۴۳۰۷۵

فروشگاه: خیابان جمهوری، نرسیده به میدان استقلال، - تلفن: ۳۳۹۰۳۲۷۲

پیشگفتار

شعر فارسی با سابقه‌ی هزار ساله‌اش جاویدگاه اسامی شعرایی‌ست که شاید قرن‌ها از مرگ جسمانی‌شان گذشته است.

از بین بسیار شاعری که دولت جاودانه شدن در گستره‌ی تاریخ ادبیات یارشان بوده است تنها تعداد اندکی هستند که توأمان نام و شعرشان برای عامه‌ی مردم زمانه‌ی ما آشناست. برخی آنقدر مشهورند که با از اقلیم مرزهای فرهنگی زبان فارسی فراتر نهاده و جهانی شده‌اند. بعضی شاعران ملی و برخی دیگر شهرتشان آنقدر هست که لاف‌ل آنها را با شعری بشناسیم. دسته‌ی دیگری را نیز می‌توان متصور شد، این دسته شعرایی هستند که اگرچه شعری از آنها شنیده‌ایم اما کمتر آنها را به نام می‌شناسیم.

میررضی‌الدین آرتیمانی شاعری از همین دسته‌ی اخیر است.

پیش از آنکه کار تصحیح دیوان میررضی را با غلام به حکم دروس دبیرستانی و دانشگاهی با نام میررضی آشنا شدم و دانستم که ساقی‌نامه‌ی مشهور دارد. پس از آنکه بیشتر با شعر او در آمیختم فهمیدم که بارها و بارها از زبان دیگر ادب دوستان و حتی رسانه‌ها ابیاتی از ساقی‌نامه‌اش را شنیده‌ام بی‌آنکه بدانم صاحب آن ابیات کیست.

اکنون حدود دو سال از روزی می‌گذرد که کار تدوین این دیوان را آغاز کردم. چند ماه از این مدت صرف تهیه نسخ خطی، خوانش و مقابله‌ی آنها شد. اما کار تحقیق و نگارش مقدمه در هجوم روزمرگی‌ها مرتباً به تعویق افتاد و سرانجام شرمسار از تأخیر در تحویل آن به مدیر محترم انتشارات سنایی، از میان فیش‌هایی که حین مطالعه‌ی اشعار رضی برداشته بودم به ذکر برخی اکتفا نموده و ذکر مابقی را به زمانی غیر از این موکول کردم تا شاید روزی مجالی دست دهد و حالی.

غالب کسانی که در مورد رضی قلم فرسایی کرده‌اند دل در گرو محبت او داشته و متأسفانه کمتر جانب بی‌طرفی و اعتدال را گرفته‌اند.

با آنکه طی مدتی که با دیوان میررضی محشور بوده‌ام شراره همدلی و یگانگی، آتش علاقه‌ی او را در من مشتعل ساخته اما (در عین اعتراف به فقر و کم‌مایگی ادبی) سعی‌ام

بر آن بود که بی طرفانه به شرح و قضاوت اشعارش بنشینم. در این رهگذر ممکن است طرفه حرف‌ها و دیدگاه‌هایم به مذاق برخی متعصبان و دل سپردگان میررضی خوش ننشیند که ضمن عرض فروتنی و احترام به تمام این عزیزان عرض می‌کنم ناگزیر به بیان واقعیت‌ها بودم تا در محکمه وجدان، خویش را شرمندۀ نبینم.

دیوان رضی چندین بار مورد طبع قرار گرفته و این نشان می‌دهد که او آنقدرها هم نزد اهل ادب غریب نیست. این اندک نیز در کنار تلاش دیگران می‌تواند عرض ارادتی باشد به ساحت ادب فارسی. تلاشی اندک است لکن امید دارم تا منجر به کشف منظره‌هایی حقیقی و تازه از زندگی و شعر میررضی شود. با این امید است که شک و شبهه را چاشنی کارم کردم تا خلاء دانستنی‌های علمی در مقابل هجوم اطلاعات نادرست جلوه‌ی بیابد. شاید کسی روزی از دل دیوارهای تاریک روزنه‌ی رو به حقایق ایجاد کرده و به واگویی ناگفته‌ها بپردازد.

شیوه‌ی کارم چنین بوده که پس از مطالعه و رونویسی نسخ خطی آنها را با دیوان‌های چاپی مقابله کرده و از آنجا که هیچ نسخه‌ای را اساس قرار نداده بودم به صورت التفاتی و استحضانی به تصحیح آنها پرداختم. در پایان برخی از ابیات را شرح کردم که این ابیات با علامت ● در متن مشخص شده‌اند. بدیهی‌ست که تعداد این ابیات بیشتر از این مقدار بود اما محدودیت‌های چاپ مانع شد که به آنها نیز بپردازم.

اگرچه این فقیر در تصحیح دیوان شعری فارسی گام نخست را پیموده اما امید دارد تا این تلاش ناچیز پس از محک خوردن توسط ادیبان و منتقدان آنقدر جلوه داشته باشد که بر او منت نهاده و لغزش‌هایش را فرایاد آرند تا انشاءالله در مقاصد بعدی، پای جز در راه ارتقاء ننهد.

فراهم آمدن این وجیزه را مدیون بزرگوارانی هستم که لطفشان شامل حالم شده است.

استاد بزرگوارم خلیل عمرانی که در هجوم مشغله‌های ادبی و اداری نیز این شاگرد همیشگی را تکیه‌گاهی مطمئن بوده است.

جناب آقای دکتر سید مهدی طباطبایی که زحمات پی در پی‌ام را با گشاده رویی تحمل نموده و در چگونگی شیوه‌ی کار ارائه‌ی طریق فرمودند. دقت نظر و عنایت ایشان در مرور سطر سطر این کتاب بیش از آن است که با کلمات به سپاسگزاری آن برخیزم. دوستان شاعرم دکتر سید عزیز مهدی رضوی، دکتر محمدرضا شالبافان و علیرضا احرامیان پور (ع. ا. نوید) که در تهیه نسخه‌های خطی یاری‌ام کردند.

مدیر دانشمند انتشارات سنایی جناب آقای حاج داوود رمضان شیرازی که سرمایه و توان خویش را صرف نشر شعر و ادب فارسی کرده‌اند و همسر که صبر و مهربانی‌اش همواره پشتیبانم بوده است.

در پایان ضمن پذیرش کاستی‌ها و نواقص این دیوان دعای خیر خویش را نشر
نخستین پوینده‌ی این راه، استاد محمدعلی امامی می‌کنم که افتخار تقدم تصحیح این
عشق‌نامه به نام او ابدی شده است.

سید وحید سمنانی

مهرگان ۱۳۸۹